

## رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با

### باورهای وسواسی در زنان شهر تهران

## Investigating personality disorders among prisoners and identifying its related variables (A Case study in Lorestan Central Prison)

**Nasrin Pakoofteh**  
Ph.D. Student of Psychology,  
Islamic Azad University,  
Kermanshah Branch

**Dr Hosein Akhlaghi**  
Assistant Professor of Islamic Azad  
University, Kermanshah

نسرین پاکوفته ( نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد کرمانشاه

دکتر حسین اخلاقی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه

### Abstract

The aim of this study was prediction obsessive beliefs in women based on attachment styles and defensive mechanisms. The method of this study is descriptive correlational. The sample consisted of all women in Tehran that 300 of them were selected by using multi-stage cluster sampling, and each of them completed questionnaires of attachment, defense mechanisms and obsessive beliefs. Results showed that the secure attachment style has a meaningful negative correlation with obsessive beliefs. Also there is a meaningful and positive correlation with obsessive beliefs between anxious insecure attachment style and immature defense mechanisms and neuroticism and that the secure attachment style and

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی، نشخوار فکری و مکانیزم های دفاعی با باورهای وسواسی در زنان بود. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای ۳۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند و هر یک از افراد پرسشنامه های سبک دلبستگی، نشخوار فکری، مکانیزم های دفاعی و باورهای وسواسی را تکمیل نمودند. نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ایمن همبستگی منفی معناداری با باورهای وسواسی دارد همچنین بین سبک دلبستگی نایمن اضطرابی، نشخوار فکری و مکانیزم های دفاعی

anxious insecure attachment style and immature defense mechanisms and neuroticism are able to predict obsessive beliefs. So it can be concluded that secure and insecure internal working models that form within the framework of attachment relationships of Mother-Neonate, can provide setting for advent and persistence of vulnerabilities through establishment of unsafe internal working models. Thus reducing the use of immature styles and neuroticism can be an important step toward improving mental health of people.

**Keywords:** attachment styles, rumination, defense mechanisms, obsessive beliefs

دریافت: خرداد ۹۵ پذیرش: اردیبهشت ۹۶

رشدنایافته و روان آزرده با باورهای وسواسی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و اینکه سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی نایمن اضطرابی، نشخوار فکری و مکانیزم های دفاعی رشدنایافته و روان آزرده توان پیش بینی باورهای وسواسی را دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مدل های درونکاری ایمن و نایمن، که در چارچوب روابط دلبستگی نوزاد-مادر تشکیل می شوند از طریق استقرار مدل های درونکاری نایمن می توانند زمینه ظهور و استمرار آسیب پذیری ها را فراهم سازد. بنابراین کاهش بکارگیری نشخوارفکری و سبک های رشدنایافته و روان آزرده می تواند گامی مهم در جهت ارتقای سلامت روانی افراد باشد.

کلید واژه ها: سبک های دلبستگی، نشخوار فکری، مکانیزم های دفاعی، باورهای وسواسی

## مقدمه

اختلال وسواسی-جبری<sup>۱</sup> یکی از ناتوان کننده ترین اختلالات است و شرایطی است که در آن، بیمار دارای وسواس های فکری (افکار، تکانه ها یا تصورات تکراری که باعث اضطراب و یا ناراحتی می شوند) و یا وسواس های عملی (رفتار های اعمال ذهنی تکرار شونده که بیمار احساس می کند برای کاهش فشار روانی و اجتناب از برخی رویداد ها باید انجام دهد) و یا هر دو، می باشد (سیو، کامپل و هاپرت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). وسواس های فکری، افکار یا تصاویر ذهنی پایدار و نامناسبی هستند که به اضطراب و

1. Obsessive –Compulsive disorder (OCD)

2 - Siev, Chambless & Huppert

پیشانی منجر می‌شوند. این کیفیت نامناسب و سواس اغلب تحت عنوان "خود ناهمخوان"<sup>۱</sup> ذکر می‌شود، به این معنی که فرد با محتوای و سواس فکری بیگانه است، آن را تحت کنترل خود نمی‌داند و از نوع اندیشه‌ای نیست که او انتظار دارد. با این حال فرد قادر به تشخیص این نکته است که و سواس‌های فکری، محصول ذهن خود او هستند و از خارج تحمیل نمی‌شوند (موریتز، جاکوبسون، ویلنبرگ، جلنیک و فریکی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

سالکوفسکی (۱۹۸۹) از اولین کسانی بود که نظر داد افراد دارای باورهای ناکارآمد و سواسی، درگیر افکار سرزنش و مسئولیت در مورد آسیب‌های اتفاق افتاده برای خود و دیگران هستند. رویکردهای شناختی- رفتاری جاری اختلال و سواس- اجباری بر نقش باورهای ناکارآمد در ایجاد و تداوم اختلال تاکید دارند. این مدل‌ها، افکار مزاحم را به عنوان محرک شناختی و تفکرات و باورهای اتوماتیک منفی را به عنوان پاسخ شناختی فرض می‌نمایند. این باورها و تفکرات اتوماتیک منفی، هیجان‌ها و رفتارهای (اجبارهای) شخص را تحت تاثیر قرار می‌دهند (بلوچ، موریلو، لوسیانو، کارسیا، کابد و کاری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). علائم و سواسی هم به نشخوار فکری<sup>۴</sup> اسناد داده شده است (ماگینی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). چندین مطالعه نیز به طور خاص به بررسی نشخوار فکری در و سواس پرداخته اند که همگی افزایش نشخوار فکری را در بیماران مبتلا به و سواس نسبت به افراد عادی گزارش نموده اند (آرمسترانگ، زالد و الاتنجی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ یوک و همکاران، ۲۰۱۰؛ منصور، فرنام، بخشی پوررودسری و علیلو، ۱۳۸۹؛ خسروی، مهرابی و عزیزی مقدم، ۱۳۸۷).

1 . Ego dystonic

2 - Moritz S, Jacobsen, Willenborg, Jelinek & Fricke

3 - Belloch, Morillo, Luciano, Garcia, Cabedo & Carri

4 -thinking rumination

5 - Maggini et al

6 - Armstrong, Zald H & Olatunji

براین اساس، نشخوار فکری یکی از ویژگی های شناختی بیماران وسواسی محسوب می شود که به صورت جر و بحث های درونی بی پایان با خود که برخی اوقات در مورد مسائل جزئی و پیش پا افتاده و گاهی درباره یک مساله فلسفی لاینحل بروز می کند (لیندی و پاول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). ریو و اکسترمار<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) معتقدند که زنان بیشتر از نشخوار گری استفاده می کنند. نتایج پژوهش (سراج خرمی، کرمی و مومنی، ۱۳۹۳؛ و آفر و همکاران، ۲۰۰۰) نشان می دهد که استفاده از نشخوار فکری و سبک های دفاعی رشد نیافته در افراد وسواسی بیشتر مشاهده می شود. مکانیسم های دفاعی به عنوان کارکردهایی ذهنی که شخص را از اضطراب مفرط ناشی از هر دو رویداد تنیدگی زای خارجی و یا وضعیت های روانشناختی اختلال گر درونی حفظ می نمایند ( فروید، ۱۹۵۹) بسیار حائز اهمیت جلوه می نمایند. این مکانیسم ها بر مبنای دیدگاه سلسله مراتبی وایلنت (۲۰۰۰)، براساس میزان رشدیافتگی به ۳ دسته تقسیم می شوند: ۱. دفاع های رشدیافته ۲. دفاع های میانه که شامل دفاع های روان آزرده و دفاع های خودشیفته و ۳. دفاع های رشد نیافته می باشد.

اندروز، سینگ و بوند<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) طی پژوهشی نشان دادند که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه با سه سبک دفاعی رشد یافته، نورتیک و رشد نیافته بررسی می شوند. سبک های دلبستگی<sup>۴</sup> تعیین کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کند (بیکر و هورگر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ کرانولا و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱). سبک های دلبستگی از منابع درون فردی هستند که می توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرات منفی تنش را کم رنگ تر جلوه دهند. بنابر نتایج پژوهش ها،

<sup>1</sup> - Lindy & Pavel

<sup>2</sup> - Rey & Extremera

<sup>3</sup> - Andrews, Singh, Bond

<sup>4</sup> -attachment style

<sup>5</sup> -Baker & Hoerger

<sup>6</sup> -Crugnola et al

سبک های دلبستگی اهمیت پیش بینی کننده ی زیادی در بهداشت روانی دارد (لینلی و جوزف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). مطابق نظریه بالبی<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، انسان با یک سیستم روانی- زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می شود. هدف این سیستم در کودک، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است (میکولینسر و شاور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). بدنبال پژوهش های بالبی، اینسورث<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) سبک های دلبستگی را به دو سبک دلبستگی ایمن<sup>۵</sup> و ناایمن طبقه طبقه بندی کرد که سبک دلبستگی ناایمن خود شامل سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا<sup>۶</sup> و سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی<sup>۷</sup> است. نتایج پژوهش (ترتمن، ۱۹۹۴؛ کسیدی و برلین، ۱۹۹۴؛ احدی و همکاران، ۱۳۸۷) نشان می دهد میزان سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در افراد مبتلا به وسواس بیشتر از افراد بهنجار است.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و آسیب پذیری بیشتر زنان نسبت به اختلال باورهای وسواسی پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان شهر تهران انجام شد و با توجه به بررسی های بعمل آمده در پژوهش های گذشته این متغیرها در یک مدل گنجانده نشده است.

## روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه زنان شهر تهران می باشد. به علت نبود فهرستی از جامعه آماری و میسر نبودن نمونه گیری تصادفی، مناسب

<sup>1</sup>-Linley & Joseph

<sup>2</sup>-Bowlby

<sup>3</sup>-Mikulincer & Shaver

<sup>4</sup>-Ainsworth

<sup>5</sup>-secure attachment style

<sup>6</sup>-ambivalence attachment style

<sup>7</sup>-avoidant attachment style

ترین روش در این پژوهش، نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای تشخیص داده شده است. در این روش، ابتدا شهر به مناطقی تقسیم (ملاک مناطق شهرداری بود) سپس از میان مناطق، نمونه هایی انتخاب شد. پس از آن، هر یک از مناطق نیز به خوشه هایی تقسیم شده و از هر خوشه، نمونه ها (۳۰۰ نفر) به طور تصادفی انتخاب شد. برای اجرای پژوهش ابتدا با توضیح هدف پژوهش و کسب رضایت پرسشنامه ها توزیع و جمع آوری گردید. ملاک های ورود به پژوهش شامل زندگی در شهر تهران، نداشتن بیماری خاص می باشد. پژوهشگر در طول پاسخ آزمودنی ها حضور فعال داشت که در صورت لزوم به پرسش های آزمودنی ها پاسخ دهد. پس از جمع آوری اطلاعات، ۳۰۰ پرسشنامه در مرحله فرضیه آزمایی تحلیل شدند. لازم به ذکر است که تعدادی از پرسشنامه ها به علت نقص یا عدم دقت در پاسخگویی به سوالات کنار گذاشته شدند. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان) استفاده شد. تمامی تحلیل ها با استفاده از نرم افزارهای بسته آماری برای علوم اجتماعی SPSS-20<sup>1</sup> انجام شد.

#### ابزار پژوهش

**پرسشنامه نشخوار فکری:** پرسشنامه نشخوار فکری زیر مقیاسی از پرسشنامه سبک های پاسخ نولن هوکسما (۱۹۹۹) است. این مقیاس خودگزارشی توسط نولن-هوکسما (۱۹۹۱) ساخته شده، دارای ۲۲ سوال ۴ گزینه ای لیکرت است که برای دست یابی به نشخوار فکری طراحی شده است. این مقیاس نشان می دهد که وقتی آزمودنی افسرده می شود چقدر در هر فکر یا رفتار نشخواری درگیر می شود. نمرات می تواند بین ۲۲ تا ۸۸ متغیر باشد. ترینور و همکاران (۲۰۰۳)، ضریب آلفای این مقیاس را ۰/۹۰، اعتبار بازآزمایی را ۰/۶۷ گزارش کرده اند (به نقل از یوک و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). آلفای کرونباخ بدست آمده در نمونه ایرانی ۰/۹۰ گزارش شده

<sup>1</sup> - statistical package for the social sciences (SPSS)

<sup>2</sup> - Yook et al

است) منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۰ بدست آمد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی (AAI)<sup>۱</sup> پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) تهیه شده و دارای ۲۱ ماده با طیف ۵ درجه ای (از هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می باشد. این پرسشنامه دارای ۳ خرده مقیاس است که عبارتند از دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن اجتنابی، دلبستگی نایمن دوسوگرا/اضطرابی. پایایی و روایی این پرسشنامه توسط بشارت روی دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده که ضریب آلفای کرونباخ پرسش های هر یک از سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد ۲۴۰ دانشجو برای کل آزمودنی ها به ترتیب عبارت بودند از ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲؛ برای دانشجویان دختر ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶۹؛ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲ بود که نشانه همسانی درونی مقیاس دلبستگی بزرگسالان می باشد. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسالان برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۲ هفته برای کل آزمودنی ها ۰/۹۲؛ آزمودنی های پسر ۰/۹۳ و آزمودنی های دختر ۰/۹۰ بوده است. اعتبار محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسالان ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۰ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و از ۰/۶۳ تا ۰/۷۸ برای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا(اضطرابی) محاسبه شد که همگی در سطح  $\alpha=0/01$  معنادار بودند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۶۴ بدست آمد.

**پرسشنامه باورهای وسواسی:** پرسشنامه ی باورهای وسواسی (۴۴ سوالی) به عنوان ابزاری برای ارزیابی نقش شناختارها در سبب شناسی و حفظ وسواس تدوین شده است. OBQ-44<sup>۲</sup> شامل باورهای ناکارآمد احساس مسئولیت/ ارزیابی خطر و تهدید، کمال طلبی/ نیاز به کسب اطمینان و قطعیت (PC) و اهمیت کنترل افکار (ICT) است

<sup>1</sup> - adult attachment inventory

<sup>2</sup> - obsessive beliefs questionnaire

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان ...

از مجموع نمرات سه زیر مجموعه، نمره ی کل باورهای وسواسی حاصل می شود. OBQ-44 دارای ثبات درونی (۰/۹۲) و ضریب پایایی (۰/۸۲) مناسب است (شمس و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۹۱ بدست آمد.

**پرسشنامه مکانیزم دفاعی:** این پرسشنامه ۴۰ سوال دارد و ۲۰ مکانیزم دفاعی را بر حسب سه سبک دفاعی رشد یافته، نورو تیک و رشد نیافته می سنجد. ضریب آلفای کرونباخ سبک های رشد یافته، نورو تیک و رشد نیافته به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی این پرسشنامه ۰/۸۲ بدست آمده است. بین این پرسشنامه و فهرست دلبستگی بزرگسالان ضریب همبستگی معناداری گزارش شده است. به عبارت دیگر، افراد دارای دلبستگی ایمن از سبک های دفاعی رشد یافته و افراد دارای سبک های دلبستگی نایمن از سبک های دفاعی رشد نیافته بیشتر استفاده می کنند (اندورز و همکاران، ۱۹۹۳). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۰ بدست آمد.

### یافته ها

جدول میانگین و انحراف استاندارد، سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی، نشخوار فکری و باورهای وسواسی را برای نمونه مورد بررسی نشان می دهد.

جدول میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
باورهای وسواسی	۱۶۶/۸۳	۴۰/۶۱	۴۹	۲۸۴
نشخوار فکری	۴۸/۳۹	۱۰/۴۳	۲۴	۸۱



۲۸	۴	۴/۰۹	۱۳/۱۹	سبک دلبستگی ایمن
۱۸	۰	۳/۲۹	۷/۷۳	سبک دلبستگی نایمن اجتنابی
۳۴	۱	۵/۵۹	۱۳/۳۵	سبک دلبستگی نایمن اضطرابی
۸۱	۲۴	۱۰/۹۶	۴۰/۰۳	مکانیزم دفاعی رشد یافته
۶۸	۱۵	۱۰/۵۴	۳۸/۶۱	مکانیزم دفاعی روان آزرده
۱۶۶	۳۰	۲۵/۰۳	۱۰۵/۷۷	مکانیزم دفاعی رشدنایافته

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود میانگین باورهای وسواسی ۱۶۶/۸۳ و انحراف معیار آن ۴۰/۶۱، میانگین نشخوار فکری ۴۸/۳۹ و انحراف معیار آن ۱۰/۴۳، میانگین سبک دلبستگی ایمن ۱۳/۱۹ و انحراف معیار آن ۴/۰۹، میانگین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی ۷/۷۳ و انحراف معیار آن ۳/۲۹، میانگین سبک دلبستگی نایمن اضطرابی ۱۳/۳۵ و انحراف معیار آن ۵/۵۹، میانگین مکانیزم دفاعی رشد یافته ۴۰/۰۳ و انحراف معیار آن ۱۰/۹۶، میانگین مکانیزم دفاعی روان آزرده، ۳۸/۶۱ و انحراف معیار آن ۱۰/۵۴ و همچنین میانگین مکانیزم دفاعی رشدنایافته ۱۰۵/۷۷ و انحراف معیار آن ۲۵/۰۳ می باشد. جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان ...

جدول ۲ همبستگی بین سبک های دلبستگی، مکانیزم دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
باورهای وسواسی	۱							
سبک دلبستگی ایمن	-۰/۱۵	۱						
سبک دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۰۹	-۰/۱۷	۱					
سبک دلبستگی نایمن اضطرابی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۳۱	۱				
نشخوار فکری	۰/۳۹	۰/۰۱	۰/۲۷	۰/۴۸	۱			
مکانیزم دفاعی رشدیافته	۰/۲۸	۰/۰۳	-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۵	۱		
مکانیزم	۰/۵۱	-۰/۰۹	-۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۴۴	۱	

		۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۰۰۱	دفاعی روان آزرده
۱	۰/۴۳	۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۱۷	۰/۱۲	-۰/۱۳	۰/۴۸	مکانیسم دفاعی رشدنایافته
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۴۴	۰/۰۳	۰/۰۰۱	

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که بین سبک دلبستگی ایمن با باورهای و سواسی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. بین سبک دلبستگی نایمن اضطرابی، نشخوار فکری، مکانیسم دفاعی روان آزرده و مکانیسم دفاعی رشدنایافته با باورهای و سواسی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با باورهای و سواسی همبستگی معناداری وجود ندارد.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی باورهای و سواسی براساس نشخوار فکری، سبک های دلبستگی و مکانیزم های دفاعی را نشان می دهد.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی باورهای و سواسی براساس سبک های دلبستگی، نشخوار فکری و مکانیزم های دفاعی

P	t	f	Std	B	متغیر پیش بین	F	R <sup>۲</sup>	R	متغیر ملاک
۰/۰۲	۲/۲۶	-۰/۱۱	۰/۴۷	-۱/۰۶	سبک دلبستگی ایمن	۲۹/۴۷	۰/۴۲	۰/۶۵	باورهای وسواسی

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان ...

۰/۰۰۱	۴/۰۵	۰/۲۳	۰/۴۱	۱/۶۵	سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی
۰/۰۰۱	۴/۳	۰/۲۴	۰/۲۱	۰/۹۳	نشخوار فکری
۰/۷	۰/۳۶	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۰۶	سبک دفاعی رشدیافته
۰/۰۰۱	۶/۹۱	۰/۳۸	۰/۲۱	۱/۴۴	سبک دفاعی روان آزرده
۰/۰۰۱	۳/۵۲	۰/۱۹	۰/۰۸	۰/۳۱	سبک دفاعی رشدنیافته

برای پیش بینی باورهای وسواسی از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد و نتایج نشان داد که  $F$  مشاهده شده ( $F=29/47$ ) معنادار است و متغیرهای پیش بین با هم  $0/42$  واریانس باورهای وسواسی را تبیین می کنند. بنابراین ضرایب رگرسیونی متغیرهای پیش بین نشان می دهند که نشخوار فکری با  $\beta = 0/24$  و  $t=4/3$ ، سبک دلبستگی ایمن با  $\beta = -0/11$  و  $t=2/26$ ، سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی با  $\beta = 0/23$  و  $t=4/05$ ، سبک دفاعی روان آزرده با  $\beta = 0/38$  و  $t=6/91$  و سبک دفاعی رشدنیافته با  $\beta = 0/19$  و  $t=3/52$  توان پیش بینی باورهای وسواسی را دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با باورهای وسواسی همبستگی منفی معناداری وجود دارد و همچنین سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی توان پیش‌بینی باورهای وسواسی در زنان را دارد. که این یافته با نتایج پژوهش (ترتمن، ۱۹۹۴؛ کسیدی و برلین، ۱۹۹۴؛ احدی و همکاران، ۱۳۸۷) همخوان می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که اعتماد به خود و اعتماد به دیگری دو ویژگی اساسی افراد ایمن محسوب می‌شوند (کسیدی، ۱۹۸۸). اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون‌روانی فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد فرد را قادر می‌سازد که در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا با مهارت بیشتر عمل کند. اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود می‌باشد نیز وی را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می‌رساند. از ویژگی‌های اصلی افراد با سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی (دوسوگرا) تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری است که آنها را به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار نابهنجار در موقعیت‌های تنش‌زا و روابط اجتماع قرار می‌دهد. در حقیقت افراد دارای باورهای وسواسی کاذب از سرکوبی به عنوان یک راهبردی برای تنظیم هیجان خود استفاده می‌نمایند در صورتی که تنظیم ناسازگارانه هیجان می‌تواند به رشد اختلالات اضطرابی کمک نماید. وقتی افراد از روی عادت هیجانشان را سرکوب می‌نمایند، هیجان‌های منفی بیشتر، هیجان‌های مثبت کمتر، مشکلات اجتماعی و کیفیت پایین زندگی را تجربه می‌کنند که چنین تجاربی آنها را بیشتر به اختلالات اضطرابی آسیب‌پذیرتر می‌سازد (گروس، ۱۹۹۸). همچنین تلاش برای سرکوبی تفکر یا اجتناب از آن فقط به تکرار، سرزدگی و مزاحمت افکار، احساسات و انتظارات کمک می‌نماید. بنابراین تجارب اولیه دلبستگی، ادراکات فرد از خود و محیط را شکل می‌دهند و با توجه به نقش بازنمایی‌های آسیب‌دیده و مختل فرد مبتلا به وسواس از خود و جهان این یافته

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان...

استنباط می شود که تجارب اولیه در زمینه دلبستگی می توانند از عوامل زمینه ساز باورهای نارکارآمد در اختلال وسواس باشد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مکانیزم دفاعی روان آزردن و رشد نیافته توان پیش بینی باورهای وسواسی را در زنان دارد. که این یافته با نتایج پژوهش (سراج خرمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ و آفر و همکاران، ۲۰۰۰) همخوان می باشد. بسیاری از مشکلات زندگی انسان ها با عوامل روان شناختی از جمله اضطراب، استرس و افسردگی همراه هستند. بسیاری از انسان ها برای کاستن از این عوامل روان شناختی خصوصاً اضطراب دست به رفتارهای جبرانی یا سازشی می زنند، به عبارت دیگر از مکانیسم های دفاعی استفاده می کنند. هر فردی برخی از این رفتارها را داراست و این گونه رفتارها به عنوان سپر یا محافظ در مقابل اضطراب و تشویش شدید به کار برده می شوند ولی افراط در به کار بردن این مکانیسم ها ممکن است منجر به ناراحتی های روانی شود (شاملو، ۱۳۸۲).

مشخصه ی اصلی الگوی دفاعی مبتلایان به اختلال وسواس - اجباری در مقایسه با گروه بهنجار در استفاده ی زیاد آنها از مکانیسم های دفاعی گذار به عمل و ابطال است. در نظام روان تحلیل گری فرض براین است که هر اختلال روانی با مکانیسم های دفاعی غیرانطباقی مشخصی همراه است، در افراد مبتلا به اختلال های روانی، سبک های دفاعی رشد نیافته و غیرانطباقی بوده و سبک های رشد یافته و بالغ در جمعیت غیربالینی به مراتب بیشتر استفاده می شود (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۸). ابطال یک تدبیر ناخود آگاه است تا فرد مبتلا به اختلال وسواس - اجباری از شر فکر وسواس خطرناک که احساس امنیت وی را مختل می کند، رها سازد. وی با قراردادهای جادویی عملی انجام می دهد و در عوض برای مدتی کوتاه احساس آرامش می کند. یکی از مولفه های اصلی افراد وسواسی، بدبینی نسبت به محیط و افراد و دنیای پیرامون است. نشخوار مرتب این افراد نسبت به رفتارهای دیگران با چاشنی بدبینی و نگرانی نتیجه گیری های معمولاً غیرواقعی بینانه، زمینه ساز خشم نهان

شده نسبت به دیگران و استفاده‌ی فراوان از مکانیسم‌های پرخاشگری منفعلانه و فرافکنی را موجب می‌شود. در رویکرد روانکاوی، فرد از طریق جداسازی تدبیر ناخودآگاهی می‌اندیشد تا با جدا کردن هیجان‌ناخوشایند از رویدادها و باقی ماندن بخش شناختی آن، از گزند واقعیت خلاص شده و این مکانیسم خودفریبانه و تحریف شده کاملاً با رفتار و سواس‌ها تطابق دارد. فرد وسواسی، آن‌چنان در مورد واقعیت‌ها و مسایل عاطفی صحبت می‌کند که انگار یک رباط به سخن آمده است. یکی از نشانه‌های رفتار نوروتیک در رویکرد روانکاوی، عدم توانایی فرد در روبه‌رو شدن مستقیم و بلاواسطه با مسایل و مشکلات بوده و لذا از طریق نپنهان شده و سمبلیک بیان می‌شوند. جسمانی کردن یکی از پرکاربردترین این مکانیسم‌های ناپخته می‌باشد. به طور کلی در زمینه‌ی کاربرد مکانیسم‌های دفاعی می‌توان چنین تبیین کرد که تثبیت در مراحل پیش‌جنسی و شخصیت‌معددی که زمینه‌ساز وسواسی است، موجبات بهره‌گیری زیاد از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته را فراهم می‌آورد. افراد با باورهای وسواسی از بین سه مکانیسم دفاعی بیشتر از سبک‌های دفاعی روان‌آزرده، و سبک‌های دفاعی رشد نیافته استفاده می‌کنند که استفاده از این سبک‌ها می‌تواند منجر به وخامت سلامت افراد شود به عبارتی هرچه فرد بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی روان‌آزرده و رشدنیافته استفاده کند سلامت او در زیرمقیاس اضطراب در وضعیت وخیمی قرار می‌گیرد. استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده نه تنها مشکلات را حل نکرده بلکه باعث افزایش مشکلات هیجانی و اثرات منفی بر وضعیت سلامتی فرد می‌گردد.

در اختلال وسواس فکری- عملی کنترل و تنظیم هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌های بااهمیت برای آسیب‌پذیری هستند. به بیان دیگر، افرادی که خود را بیشتر به خاطر تجربه‌ی رویدادها سرزنش می‌کنند، مستعد داشتن باورهای وسواسی بیشتری هستند. همچنین پذیرش شرایط بر تشکیل باورهای وسواسی تاثیر می‌گذارد. یعنی هرچه فرد

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان ...

در برخورد با شرایط ناگوار خود را به پذیرش شرایط و کنار آمدن با آن بیشتر ناچار بدانند، بیشتر به وسواس مبتلا می شود (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۷).

از دیگر نتایج پژوهش این بود که نشخوار فکری توان پیش بینی باورهای وسواسی را دارد که این یافته با نتایج پژوهش (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ منصوره و همکاران، ۱۳۸۹؛ خسروی و همکاران، ۱۳۸۷). همخوان می باشد. الوی و همکارانش (۲۰۰۰) نشخوار فکری را به عنوان تغییر و تفسیر حوادث استرس زای زندگی می دانند و آن را نشخوار فکری واکنش به استرس معرفی می کنند. نالن هاگسما در نظریه ی سبک پاسخ، نشخوار فکری را به عنوان افکار منفعلانه و مکرر درباره ی علائم افسردگی، علل و نتایج آن مفهوم سازی کرده اند. برطبق نظریه ی سبک پاسخ نالن هاگسما، نشخوار فکری باعث افزایش آگاهی فرد از مشکلاتش می شود و همزمان باعث می گردد که فرد از ارائه ی راه حل مناسب برای این مشکلات عاجز باشد و از تغییر آنها احساس ناامیدی کند. نشخوار فکری در بیماری وسواس، شامل افکاری هستند که به طور پایان ناپذیر مرور می شوند و به ناامیدی درباره ی آینده و ارزیابی های منفی درباره ی خود منجر می شود. یکی از ویژگی های برخی از بیماران وسواسی این است که نمی تواند توجه خود را از علائم ادراک شده برجسته برگیرند و درواقع قادر نیستند جلوی افکار ناخوانده مزاحم را به طور موثر بگیرند (کاوانگ، ۲۰۰۱). براین اساس نشخوار فکری یکی از ویژگی های شناختی بیماران وسواسی محسوب می شود که به صورت جروبحث های درونی بی پایان با خود است که برخی اوقات در مورد مسائل جزئی و پیش پا افتاده و گاهی درباره یک مساله ی فلسفی لاینحل بروز می کند (لیندی و پاول، ۲۰۰۰).

گارنفسکی نشان داد افرادی که از سبک های شناختی ضعیف مانند نشخوارگری (مرورذهنی)، فاجعه سازی و ملامت خویش استفاده می کنند، بیش از سایر افراد در برابر مشکلات هیجانی و اضطرابی از جمله وسواس و به تبع آن باورهای وسواسی آسیب پذیرند. برای تبیین این یافته، براساس نظریه راجمن (۲۰۰۲) می توان گفت که



وسواس را یک سازو کار خودتداوم بخش پدید می آورد که در بخش نخست، هیجان منفی ناشی از احساس خطر، فرد را به جست و جوی ناموفق برای اطمینان از عدم وقوع آن می کشاند. سپس در بخش دیگر، بر اثر تکرار اقدامات برای اطمینان یابی، حافظه شخص برای واریسی مخدوش شده و دستیابی به اطمینان کاهش می یابد، به طوری که فرد هر چه بیشتر به تکرار مبتلا شود، اطمینان وی به حافظه کمتر می شود و به تبع آن تجربه هیجان ناخوشایند افزایش می یابد. بنابراین می توان گفت افراد دارای افکار وسواسی در مواجهه با شرایط ناگوار به ارزیابی تجارب ناشی از رویارویی با شرایط به وجود آمده پرداخته و بر سازنده بودن این شرایط تاکید می کنند که این تاکید موجب تکرار نحوه رویارویی و این تکرار به نوبه خود باعث مخدوش شدن حافظه فرد می شود (راچمن، ۲۰۰۲). بنابراین آخرین بخش از سازوکار خودتداوم بخش در وسواس، نوع دیگری از سوگیری شناختی است که در آن با سپری شدن یک چرخه واریسی ایمنی، مسئولیت فرد افزایش می یابد، ارزیابی مجدد به منزله یک چرخه ی واریسی ایمنی نقشی را ایفا می کند که به بیشتر شدن مسئولیت فرد می انجامد. احساس مسئولیت کردن یکی از مولفه های اصلی افکار وسواسی است. در واقع، در شرایطی که احساس مسئولیت بیشتر می شود، فرد دچار افکار وسواسی می شود. جامعه آماری محدودیت هایی را در زمینه تعمیم نتایج ایجاد می کند که پیشنهاد می گردد این پژوهش در جامعه های دیگر انجام شود.

## منابع

- احمدی، بتول؛ عزیزی نژاد، فهیمه، نریمانی، محمد و برهمند، اوشا (۱۳۸۷).  
تبیین اختلال وسواسی- اجباری بر حسب سبک های دلبستگی و مکانیز  
های دفاعی. مجله علوم رفتاری دوره ۲، شماره ۴.

رابطه سبک های دلبستگی، مکانیزم های دفاعی و نشخوار فکری با باورهای وسواسی در زنان ...

خسروی، معصومه؛ مهربانی، حسین علی و عزیزی مقدم، میعاد (۱۳۸۷). بررسی مقایسه ای مولفه های نشخوار فکری در بیماران افسرده، وسواس اجباری و افراد عادی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان. جلد ۱۰، شماره ۱.

سراج خرمی، آذر، کریمی، جهانگیر و خدامراد، مومنی (۱۳۹۳). مقایسه ی نشخوار فکری و مکانیسم های دفاعی در افراد مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و اختلال وسواسی - جبری با افراد غیرمبتلا. مجله روانشناسی بالینی، سال ششم، شماره ۲.

شاملو، سعید (۱۳۸۲). مکتب ها و نظریه ها در روان شناسی شخصیت. چاپ هفتم. تهران: انتشارات رشد.

فتحی آشتیانی، علی و دادستانی، محبوبه (۱۳۸۸). آزمون های روانشناختی (ارزشیابی شخصیت و سلامت روان). تهران. انتشارات بعثت.

منصوری، احمد؛ فرنام، علیرضا؛ بخشی پور رودسری، عباس و محمود علیلو، مجید (۱۳۹۰). مقایسه نشخوار فکری در بیماران مبتلا به اختلال افسردگی عمده، اختلال وسواس - اجبار، اختلال اضطراب فراگیر و افراد بهنجار. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

Ainsworth, M.S. (1978). *Patterns of attachment: A Psychological Situation*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.

Andrews G, Singh M, Bond M. ( 1993). The Defense Style Questionnaire. *J Nerv Ment Dis*. 181(4):246-56.

Armstrong, T., Zald H. D., & Olatunji O. B. (2011). Attentional control in OCD and GAD: Specificity and associations with corecognitive symptoms. *Behaviour Research and Therapy*. 1-7.

Baker, C. N., & Horger, M. (2012). *Parental childrearing strategies influence self-regulation, socio emotional adjustment, and psychopathology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study*. *Personality and Individual Differences*. 52, 800-805.

Belloch, A., Morillo, C., Luciano, J.V., Garcia-Soriano, G., Cabedo, E., Carri, A. (2010). Dysfunctional Belief Domains Related to Obsessive-

- Compulsive Disorder: A Further Examination of Their Dimensionality and Specificity, *Spanish Journal of Psychology*, 13, 1, 376-388.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Cassidy J, Berlin LJ. (1994). The insecure ambivalent pattern of attachment: Theory and research. *Child Dev.*; (65):971-91.
- Crugnola, C.R., Tambelli, R., Spinelli, M., Gazzotti, S., Caprin, C., & Albizzati, A. (2011). *Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year*. *Infant behavior and development*, 34, 136-151.
- Freud S. (1959). Inhibition, symptoms and anxiety. *Standard Edition*. 1926; 20: 77-174. London: Hogarth Press, 1959.
- Gross, J. (1998). Antecedent and response focused emotion regulation: divergent consequences for experience, expression, and physiology. *Journal of personality and social psychology*, 74, 224-237.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). *Romantic love conceptualized as an attachment process*. *Journal of Personality and Social Psychology*. 52, 511-524.
- Lindy SGA, and Pavel GA. (2000). Treatment and recognizing psychotic disorders of adults in clinical psychology.
- Lindy SGA, and Pavel GA. (2000). Treatment and recognizing psychotic disorders of adults in clinical psychology.
- Linley, P.A., & Joseph, S. (2004). *Positive change following trauma and adversity: A review*. *J Trauma Stress*. 17, 11-21.
- Maggini C, Ampollini P, Gariboldi S, Cella DL, Peqlizza L, and Marchesi C. (2001). The Parma high school epidemiological survey: Obsessive-compulsive symptoms. *Acta Psychiatr Scand*; 103: 441-446.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. (2005). *Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality*. *Journal of Research in Personality*, 39, 22-45.
- Moritz S, Jacobsen D, Willenborg B, Jelinek L, Fricke S. (2011). A check on the memory deficit hypothesis of obsessive-compulsive checking. *Eur Arch Psychiatry Clin Neurosciences*, 256:82-6.

- Nolen-Hoeksema, S. (1999). "Thanks for sharing that": ruminators and their support networks. *Journal of personality and social psychology*, 11:801-874.
- Obsessive Compulsive Cognitions Working Group (2001). Development and initial validation of the obsessive beliefs questionnaire and the interpretation of intrusions inventory. *Behaviour Research and Therapy*, 39(8), 987-1006.
- Offer, R., Levie, R., Gothelf, D., Apter, A. (2000). "Defense Mechanisms, Negative Emotions, and Psychopathology in Adolescent Inpatients". *Comprehensive Psychiatry*, 41:35-41.
- Rachman, S. (2002). A Cognitive Theory of Compulsive Checking. *Behavior Research and Therapy*, 40, 625-639.
- Rey L, Extremera N. (2012). Physical-Verbal Aggression and Depression in Adolescents: The Role of Cognitive Emotion Regulation Strategies. *Universitas Psychologica*; 11(4):1245-1254.
- Salkovskis PM. (1989). Cognitive-behavioral factors and the persistence of intrusive thoughts in obsessional problems. *Behavior Research and Therapy*; 27(6): 677-82.
- Siev J, Chambless DL, Huppert JD. (2010). Moral thought action fusion and ocd symptoms: the moderating role of religious affiliation. *Journal of Anxiety disorders*. 24: 309-312.
- Trautman K. Quality of attachment and cognitive schemata in depression and obsessive compulsive phenomena [Dissertation]. Melbourne, Australia: University of Melbourne; 1994. p. 258-272.
- Vaillant, G.E. (2000). "Adaptive mental mechanisms: Their role in a psychology". *American psychologist*, 55:89-98.
- Yook KY, Kim KH, Suh SY, Lee KS. (2010). Intolerance of uncertainty, worry, and rumination in major depressive disorder and generalized anxiety disorder. *J Anxiety Disord.*; (24):623-28.